



بَرَزَ *الثَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَ

فَمَشَى * فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ * الْمَاكِرِينَ *



و يَقُولُ الْحَمْدُ لِد... يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوَبُوا
فَهُوَ كَهْفُ * التَّائِبِينَ
وَ أَطْلَبُوا الدِّيكَ * يُؤَدِّنُ
لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَدَهَبُوا إِلَى الدِّيكِ، فَقَالَ :

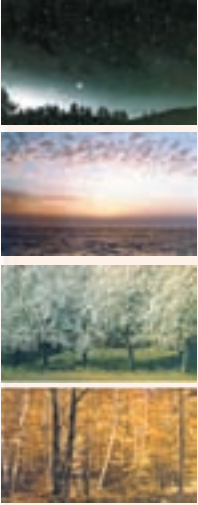
بَلَّغُوا * الثَّعْلَبَ عَنِّي * عَن جُدودي * الصَّالِحِينَ

عَن ذَوِي التِّيْجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ * اللَّعِينَا

إِنَّهُمْ قَالُوا وَ حَيْزُ ال... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَ :

مُحْطِي * مَن ظَنَّ * يَوْمًا أَنْ لِسْثَعْلَبِ دِينَا!

أحمد شوقي (بتصرفٍ)



آیا در جهان آفرینش همه‌ی پدیده‌ها پیوسته، چهره‌ی ثابت و تغییرناپذیری دارند؟

آیا پدیده‌هایی از قبیل زمین، آسمان، ماه، خورشید و دریاها و اقیانوس‌ها هر روز به صورتی جدید در می‌آیند و تغییر محسوسی می‌کنند؟
حال به ظاهر درختان و گل‌ها دقت کنید!
به تغییر محسوس آن‌ها در فصول چهارگانه توجه کنید.

عالم کلمات

در جهان پر رمز و راز کلمات نیز گاهی با کلماتی مواجه می‌شویم که ظاهری ثابت و تغییرناپذیر دارند. و در همه‌ی شرایط شکل ظاهری خود را حفظ می‌کنند، و گاهی به کلماتی برمی‌خوریم که در شرایط مختلف، تغییراتی در چهره‌ی ظاهری آن‌ها پدید می‌آید.

در کلمات معیار تغییر، حرف آخر آن‌هاست.

معیار تغییر

در تابلوی زیر به کلمه‌ی «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم:

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ﴾
﴿وَاُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ﴾
﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ﴾

همه چیز در حال تغییر و تحول است اما ...
تغییرات گاهی محسوس نیست و به ظاهر دیده نمی‌شود!

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت

حرف آخرشان تغییر می‌کند و تعدادی نیز در همه‌ی

موقعیت‌ها، حرکت حرف آخرشان ثابت می‌ماند!

شناخت مفهوم دقیق هر جمله از راه کلماتی که حرکت حرف آخرشان تغییر کند، راحت‌تر است! راستی! چرا!؟

نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعْرَب» گویند.
به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِي» گویند.

از خود سؤال کنید:



حرکت کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبنی است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده‌ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبنی؟

مصطلحات

آیا با حرکات‌های «ضَمَّة»، «فَتْحَة»، «كَسْرَة» و نیز «سَكُون» آشنا هستیم؟
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هَؤُلَاءِ» و نیز «أَكْتُبُ» را تشخیص می‌دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن‌ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می‌نامیم:
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هَؤُلَاءِ) مبنی بر سکون (أَكْتُبُ)

آما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می‌کنیم!

جزم

جر

نصب

رفع

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می‌کند.
به حرکت کلمه «کُل» در ترکیب «کُلِ سرخ» دقت کنید!

نمی‌توانیم مدعی باشیم که عربی را یاد گرفته‌ایم در حالی که در خواندن دچار ضعف باشیم!

اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است!

و علامت آن **ضَمَة** است؛ مانند: الحَسَنَةُ، حَسَنَةٌ

و علامت آن **فَتْحَة** است؛ مانند: الصادِق، صادِقًا

و علامت آن **كَسْرَة** است؛ مانند: الاجْتِهَاد، اجْتِهَادٍ

و علامت آن **سَكُون** است؛ مانند: لا تَكْذِبْ

رفع

نصب

جر

جزم

کلمات معرب را براساس حرکت آخر آن‌ها چنین می‌نامیم :
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

کلمات معرب و مبنی

ضمیر، اسم اشاره، موصول، استفهام	مبنی	اسم
بیشتر اسمها (به جز اسم‌های مبنی)	معرب	
ماضی، امر	مبنی	فعل
مضارع	معرب	
تمام حروف	مبنی	حرف

نکته

در فعل مضارع دو صیغه‌ی جمع مؤنث نیز مبنی است!

از خود سؤال کنید:

کلمات زبان عربی بیشتر معربند یا مبنی؟

برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟

آیا می‌دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبنی مهم است؟

کلمات مبنی که به الف ختم

می‌شوند؛ مانند:

علی، إلی، حتی ...

مبنی بر سکون هستند!

کلمات مبنی که به «یاء» ساکن

ختم شوند، مانند:

فی، الّذی، الّتی ...

مبنی بر سکون هستند!



اجعل الكلمات التي تحتها خطٌ في مكانٍ مناسبٍ من الجدول:

المبني			
على الفم	على الفتح	على الكسر	على الشكوة
			الاسم
			الفعل
			الحرف

(الف):

- ١- العَاقِلُ مِنَ وَعَظْمَتِهِ* التَّجَارِبِ.
- ٢- هل يَنْجِحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟
- ٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَهُ لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكِلةِ.
- ٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

(ب):

المعرب			
المرفوع	النصب	المجرور	المجزوم
			الاسم
			الفعل

- ١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.
- ٢- لَا تَتَكَاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِزِّ صَعْبٌ.
- ٣- هل يَعْتمِدُ* الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

عَيِّنِ المَعْرَبَ وَالمَبْنِيَّ مِنَ الأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:



في يومٍ من الأيام شاهدتِ ضفدعةٌ* بقرةً في المزرعة، فتعجبت من عظميتها. فقالت: أيتها البقرة، كيف أصبحت هكذا؟ أنا صغيرةٌ وأنت كبيرةٌ!



قالت البقرة: إن الله خلقنا هكذا.

وخلق كل موجودٍ على شكلٍ!



قالت الضفدعة: سأصبحُ منلكِ* فنفختُ* في نفسها.

قالت البقرة: لا تنفخي. سوف تنفجرين.

خالقتِ* الضفدعةُ وأستمرتِ*.

و بعد دقائق...

فَأَنْجَرَتِ الصَّفَدْعَةُ وَ مَاتَتْ!



التدريب الثالث

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي:

موصولٌ خاصٌّ و مبنيٌّ على السُّكُونِ.	كَيْفَ
فعل مضارع مرفوع و معرب.	أُدْرُسُ
ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنيٌّ على الفَتْحِ.	هؤلاءِ
اسمٌ استفهامٌ و مبنيٌّ على الفَتْحِ.	هي
فعلٌ أمرٌ و مبنيٌّ على السُّكُونِ.	الَّذِي
اسمٌ إشارةٌ و مبنيٌّ على الكَسْرِ.	يَعْلَمُ

التدريب الرابع

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقرة / ١٧٧)
- آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.
- اینان که راست می گویند؛ همان پرهیزگارانند.
- ٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه / ١٣٠)
- پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.
- پس بر آنچه می گویند، شکیبا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.
- ٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ مِنَ خَيْرٍ فَاقِرٌ﴾ (قصص / ٢٤)
- همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.
- همانا من به آنچه نافرستادی از خوبی ها نیازمندم.



□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه‌ی اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم: کتابٌ : کتابی

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةٌ فِي خَرَبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَفَصَدْتُ تَزْوِيجَ وَلَدِهَا بِأَحَدِي بَوْمَاتِ الْمُوصِلِ .
فَرَفَضْتُ بَوْمَةَ الْمُوصِلِ وَقَالَتْ : إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرَةٌ وَمَعْمُورَةٌ وَوَلَدُكَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ مَهْرِ بَنْتِي
وَهُوَ عَشْرَةُ بَيُوتٍ خَرَبَةٍ . فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ ! هُوَ الْآنَ لَا يَقْدِرُ دَفْعَ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا
بَقِيَتْ حَكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ «حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمُدَّةِ سَنَةٍ ، فَأَنَا أَضْمَنُ لَكَ أَلْفَ بَيْتٍ خَرَبٍ لِمَهْرِ بَنْتِكَ !

مَحَبَّتِ جَعْدٍ

زندگی می‌کند جعدی در خرابه‌ای از

خرابه‌های بصره. پس خواست که پسرش را به

ازدواج یکی از دختران موصل در آورد. جعد

موصل مخالفت کرد و گفت: همانا بصره سرزمین

کوچک و آبادی است و تو نمی‌توانی مهر دختر

مرا بپردازی. مهر دختر من ده خرابه است. گفت

جعد بصره: بله، من الآن توانایی پرداخت این

مهر را دارم، اما اگر حکومت سرور حاکم ما که

«خداوند او را حفظ کند» برای دو سال دیگر

باقی بماند، من تضمین می‌کنم برای مهر دخترت

هزارخانه‌ی خراب را!

برای پیشرفت در زمینه‌ی ترجمه و هرچه بهتر شدن ترجمه‌هایمان:

زیاد ترجمه کنیم. به هر عبارت و متنی که برخورد می‌کنیم، قلم به دست گیریم و شروع به برگرداندن متن به فارسی کنیم!

غلط‌ها و اشتباهاتی را که در ترجمه‌ی عبارت‌ها انجام می‌دهیم، یادداشت کنیم تا از تکرار آن‌ها جلوگیری کنیم!

علامت‌های سجاوندی را در ترجمه رعایت کنیم تا بر زیبایی ترجمه و قابلیت فهم آن بیفزاییم.

الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را

پر کنید :

- ۱- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)
- صدقه‌های خویش را با ... گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.
- ۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فصلت / ۸)
- برای آن‌ها پاداشی بی... است.
- ۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)
- خداوند بر ما ... نهاده است.



ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه‌ی زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَ التَّفْرِيطِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ

عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا

الْإِبْتِعَادُ عَنِ التَّكَاثُلِ

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

کتاب‌های درسی در ارتباط با یک‌دیگر معنا پیدا می‌کنند!

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند!

برای فهم بهتر قسمت «پیام‌وزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!
 برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه‌ی ترجمه‌ی متون عربی به فارسی می‌افزاید.
 در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت ... چه می‌دانیم؟
 در ماه‌نامه‌ی دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید :

اگرچه غرض هنر پیش یاری ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان بر از عربی است